

البيعة لله

البيعة لله

نکته‌ها

البيعة لله

البيعة لله



البيعة لله

البيعة لله

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى

زندگی و مرگ جاهلی

نویسنده: محسن روزبهانه

تاریخ: ۱۴۰۱/۱/۹

توجه: دیدگاه درج شده دیدگاه ارسالی توسط یکی از کاربران است و لزوماً دیدگاه این دفتر محسوب نمی شود.

بایگاه اطلاعیه‌ی دفتر منصوصاً بر این است که حفظ الله تعالی



در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وارد شده است: «هر کس بمیرد در حالی که امام زمانش را نشناخته، به مرگ جاهلیت مرده است». کاش از کنار این هشدار سنگین و عتاب هولناک، به راحتی عبور نکنیم! به راستی از خود پرسیده ایم که چرا مرگ چنین کسی مرگ جاهلی است؟ این پرسش، ده ها پاسخ صحیح می تواند داشته باشد. اما یکی از آن ها این است که انسان همان گونه که زندگی می کند، می میرد. حالات او در دوران حیاتش تناسب زیادی با حالات او در زمان مرگ و پس از مرگش دارد. به همین ترتیب، کسی که حجت زمان خود را نشناخته و امر او را در نیافته است، زندگی اش در ظلمات جهل و وهم سپری شده و در طول حیاتش راه خود به سوی خدا را پیدا نکرده است. از همین رو، در تاریکی قدم برداشته و بر اساس هدایت و نوری از جانب خداوند دین داری نکرده است. لذا زندگی اش از گمراهی و نادانی آکنده است و از این رو، برای خداوند به اندازه ی پیشیزی نمی ارزد.

آری، اگر مردم دوران ما امام خویش را می شناختند و همگی برای یاری و اطاعت از او سبقت می گرفتند، زندگی و مرگشان جاهلی نبود و امامشان به پشتوانه ی حمایت آنان به حکومت می رسید و دیگر مجبور به غیبت و اختفاء از ظالمان نبود و حکومت ظلم و جهل بر زمین نیز تداوم نمی یافت. پس تردیدی نیست که مسؤولیت این فاجعه ی نکبت بار و غربت و غیبت مهدی بر دوش مردم است و علت آن -بر خلاف تصوّر عامیانه ی رایج- مصلحت الهی

بَیِّنَاتُ الْإِسْلَامِ مِنْ صَوْنِهَا شَيْءٌ حَرَامٌ خُفِيَ عَنِ النَّاسِ

و حکمت‌های خفیه‌ی او نیست؛ زیرا خداوند ظالم نیست و ذلت و مسکنت را برای بندگانش خواسته و به گسترش ظلم و فساد در میان آنان راضی نیست؛ چنانکه فرموده است: ﴿مَا اللَّهُ بِرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعَالَمِينَ﴾^۱؛ «خداوند ظلمی را برای جهانیان نمی‌خواهد» و فرموده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ﴾^۲؛ «هرآینه خداوند به مردم هیچ ظلمی نمی‌کند، بل مردم‌اند که به خودشان ظلم می‌کنند»، بلکه او به سوی عدل و احسان دعوت می‌کند و شرایع و پیامبران را برای قیام کردن مردم به عدالت، فرستاده است.^۳ لذا عدالت، آرمان ادیان و پیامبران الهی و چیزی است که خداوند آن را اراده کرده است و به آن امر فرموده است. این به معنای آن است که تحقق عدالت، امری جبری نیست، بلکه مشروط به طلب و اقدام مردم و نیازمند زمینه‌هایی است که تنها توسط آنان تأمین می‌شود و مادامی که مردم این زمینه‌ها را فراهم نکنند، روی عدالت را نخواهند دید و نسلی از پی نسلی دیگر، آرزوی آن را به گور خواهند برد؛ چنانکه خداوند متعال فرموده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ﴾^۴؛ «هرآینه خداوند چیزی را برای قومی تغییر نمی‌دهد تا آن گاه که آنان چیزی که در خودشان است را تغییر دهند».

از اینجا دانسته می‌شود که هم علت غیبت و هم سبب ظهور امام، نفوس قوم و خود مردم هستند. با این تقریر که مردم از آنجا که تغییری منفی کرده‌اند، سوء حالشان موجب شده است که امام مهدی و حضور و حاکمیت او را از دست بدهند. همچنین باید تغییری مثبت و بنیادی بکنند تا محضر او را درک کنند و از حکومتش بهره‌مند شوند. پس دانستیم که علت غیبت امام عزیز عصر ما، این بشر فلاکت‌زده است که به جای چنگ زدن به دامن این خلیفه‌ی مهدی الهی، به حمایت و اعانت حاکمان جائر و گفتمان‌های دروغین و پوشالی پرداخته است. حکومت‌هایی که بدون اذنی از جانب شارع قدرت را به دست گرفته‌اند و از این رو طاغوت شمرده می‌شوند و حاکمانی که از یک سو جاهل، جاه طلب و جبارند و ابایی از استبداد و جنایت در حق رعیت خویش ندارند و از سوی دیگر، باز خرف القول و مغالطه و عوام‌فریبی، پا از گلیم خویش فراتر می‌گذارند و خود را نایب مهدی و صاحب ولایت او بر مردم می‌شمارند. اینان خطرناک‌ترین دشمنان مهدی هستند و زهرآگین‌ترین خنجرها را بر پشت اسلام می‌زنند؛

۱. آل عمران / ۱۰۸

۲. یونس / ۴۴

۳. بنگرید به: التَّحَلُّ / ۹۰ و الحديد / ۲۵.

۴. الزَّعْد / ۱۱

زیرا با نام او به زیردستان ظلم می‌کنند و با یاد او مردم را اغوا می‌نمایند، در حالی که طاغوت‌های دیگر و اشکال دیگر حکومت مانند حکومت‌های پادشاهی یا لیبرال دموکراسی یا سوسیالیستی، به مراتب زیان و آسیب کمتری می‌رسانند؛ زیرا خود را نماینده‌ی ایدئولوژی دینی یا منصوب الهی نمی‌شمارند. اگرچه آنان نیز در زمین فساد می‌کنند و فتنه می‌انگیزند و برای منافع پست و بی‌مقدار یا رونق بازارهای شیطانی خود، خون مستضعفان و بی‌گناهان را می‌ریزند و کشورهای جهان سوم را به آشوب و جنگ می‌کشانند و با یاری منافقان و طواغیت مسلمان نما (!) مسلمانان را به جان یکدیگر می‌اندازند.

این در حالی است که حکومت جز برای خدا نیست و خداوند مالک زمین و آسمان، آن را به هر کس که بخواهد می‌دهد؛ چنانکه فرموده است: ﴿قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ﴾؛ «بگو خداوند! مالک حکومت تویی! حکومت را به هر کس می‌خواهی می‌دهی و حکومت را از هر کس می‌خواهی می‌گیری» و خداوند حکومت را برای خلیفه‌ی خود مهدی خواسته است و عدالت را تنها در حاکمیت او قرار داده است، اما مردم عدالت را در جایی دیگر جستجو کردند و این شد که جز فلاکت و نکبت و ظلم و مصیبت نصیبشان نشد. چه اندازه متین و عمیق و دردناک و دقیق است سخن علامه‌ی فرزانه، حضرت منصور هاشمی خراسانی، آنجا که می‌فرماید:

«... به امید دست یافتن بر عدالت، به هر حکومتی دل بسته‌اید و مدتی از آن پیروی کرده‌اید، تا آن‌گاه که از آن ظلم دیده‌اید و دریافته‌اید که در آن عدالت نیست، پس فریادکنان آن را بر انداخته‌اید و به حکومت دیگری روی آورده‌اید! پس این گونه، در جستجوی عدالت، گاهی به شرق میل کرده‌اید و گاهی به غرب؛ گاهی به چپ دویده‌اید و گاهی به راست؛ گاهی به زید روی آورده‌اید و گاهی به عمرو؛ گاهی به سلطنت دل بسته‌اید و گاهی به جمهوریت! در حالی که عدالت، نه در شرق بوده است و نه در غرب؛ نه در چپ بوده است و نه در راست؛ نه در زید بوده است و نه در عمرو؛ نه در سلطنت بوده است و نه در جمهوریت! عدالت تنها در حکومت خداوند بوده است که از قدرها و جاهای شما آگاه است و جز او کسی به آن راه نمی‌یابد اگرچه بسیار پویش و کوشش کند، مگر کسی که او به آن مهدیش ساخته است،

اما شما از رحمت او ناامید و از مهدی او غافل شده‌اید و از این رو، حکومتی که او برای مهدیش خواسته است را به کسانی سپرده‌اید که او حکومتی برای آنان نخواستہ است!...»^۱

آری، مردمی که به سودای عدالت به دنبال کسی جز مهدی می‌روند، لایق فلاکت و مسکنت و مستحقّ بلاهایی هستند که بر سرشان می‌آید. کسانی که به جای «مهدی پاک» از حاکمان ناپاک و طواغیت خون‌ریز حمایت می‌کنند، چه سرنوشتی بهتر از این در انتظارشان می‌تواند باشد؟! پس عجیب نیست که مرگ چنین کسانی، مرگ جاهلیت شمرده شود.

اما خود ما چه اندازه به معرفت امام مهدی دست یافته‌ایم؟ میزان این معرفت چیست؟ آیا همین که با آموزه‌های نورانی حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی دانستیم که مهدی خائف است و از خوف ظالمان غیبت کرده است و با زمینه‌سازی برای ظهورش، به حکومت خواهد رسید، از عارفان به حقّ امام خویش شناخته می‌شویم؟ این طور نیست؛ چنانکه حضرت علامه در حکمتی بلیغ و درس‌آموز فرموده‌اند: «إِنَّ النَّاسَ أَمْوَاتٌ وَمَا حَيَاتُهُمْ إِلَّا الْمَعْرِفَةُ، وَالطَّاعَةُ مِيزَانُ الْمَعْرِفَةِ»^۲؛ «هرآینه مردم مردگانند و حیات آنان جز معرفت نیست و اطاعت میزان (سنجش) معرفت است» و در ادامه، انتظار فرج را تعریف کرده و ضمن تأیید بسیار یاد کردن و دعا کردن برای آن حضرت، مصداق اصلی آن را این گونه بیان فرموده‌اند: «وَلَكِنَّ انْتِظَارَهُ الدَّعْوَةُ إِلَيْهِ وَالتَّمَكُّينُ لَهُ فِي غَيْبَتِهِ! إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: ﴿وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ﴾^۳، أَيُّ فِي غَيْبَتِهِمْ»^۴؛ «ولی انتظار بردن او دعوت به سوی او و زمینه‌سازی برای او در غیابش است. هرآینه خداوند بلندمرتبه می‌فرماید: <و تا خداوند بداند چه کسی او و پیامبرانش را در غیاب یاری می‌دهد> یعنی در غیاب آنان».

پس معلوم شد که اینجا، جای ادّعا نیست، بلکه میدان عمل است و آن کس صاحب معرفت امام زمانش شناخته می‌شود و از زندگی و تبعاً مرگ جاهلی رهایی می‌یابد که در عمل مشغول زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی و دعوت به سوی آن حضرت باشد.

۱. نامه‌ی ۱۴

۲. گفتار ۷، فقره‌ی ۴

۳. الحدید / ۲۵

۴. گفتار ۷، فقره‌ی ۴

آنچه امروز منصور هاشمی خراسانی، این معلّم مشفق و خیراندیش به دنبال آن است، فراهم نمودن شماری کافی از کسانی است که به چنین معرفتی دست یافته باشند و مطیع محض مهدی و داعی به سوی او باشند. کسانی که دل از غیر مهدی بریده‌اند و دست به دامان او درآویخته‌اند و با زبان به سوی او فرا می‌خوانند و از غیر او باز می‌دارند. اینان هستند ناصران مهدی و زمینه‌سازان ظهور او.

باید این هشدار را جدی بگیریم. اگر هر چه زودتر چنین یارانی را فراهم نکنیم ما نیز به نسل‌هایی خواهیم پیوست که محروم رفتند و او را ندیدند و باز ننگ و عار غیبت مهدی را به نسل بعد از خود منتقل کردند...!

از خداوند غفار می‌خواهیم از سر تقصیرات و کوتاهی‌های ما بگذرد و به ما توفیق بدهد که برای تحقّق این آرمان متعالی، نسل برگزیده و توفیق‌یافته باشیم و افتخار میزبانی از مهدی و فراهم نمودن زمینه‌ی ظهورش را به نام خویش در تاریخ ثبت نماییم و مجاهدت‌های عالم مظلوم، حضرت منصور هاشمی خراسانی را با غیرتمندی و عزم استوار خود به ثمر برسانیم و با همین چشمان گناه‌کار خود شاهد ظهور مهدی و پیروزی او بر مستکبران و کافران و منافقان جهان باشیم. **«إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا وَنَرَاهُ قَرِيبًا»**؛ «آن‌ها آن را دور می‌بینند و ما آن را نزدیک می‌بینیم».

